



تفاهم در منطقه علیه تنش

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه که در ادامه رایزنی‌های دیپلماتیک در مورد تحولات منطقه به کویت سفر کرده است، صبح سه‌شنبه اول آبان‌ماه در مصاحبه مطبوعاتی با حضور تعدادی از خبرنگاران رسانه‌ها و جراید مهم و پرمخاطب کویت شامل القیس، الرئی، الانباء، النهار، الجریده، السیاسه، کویت تایمز، خبرگزاری کویت، تلویزیون الصباح، همچنین شبکه الجزیره، فرانس پرس و پرس تی‌وی شرکت کرد. وزیر امور خارجه ایران در این نشست عنوان داشت: کشورهای منطقه این توانایی را دارند که از طریق تلاش‌های مشترک، جلوی یک فاجعه در منطقه را بگیرند. در گفت‌وگوهایی که من در کشورهای منطقه و در کویت به عنوان یازدهمین مقصد سفرهای اخیر داشته‌ام دارم، فکر می‌کنم تفاهم و درک مشترکی برای جلوگیری از تنش وجود دارد. جمهوری اسلامی ایران خواهان جنگ در منطقه نیست اگرچه برای جنگ آماده‌ایم، ما تمام تلاش خود را برای کاهش تنش به کار گرفته‌ایم، ولی برای هر سناریویی هم آماده‌ایم و هم قدرت مقابله داریم. حمله موشکی ایران به تاسیسات نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی یک حرکت دفاعی و پاسخی به حملات این رژیم بود. پیام ما کاملاً شفاف و روشن است، رژیم صهیونیستی دنبال گسترش جنگ در منطقه است و ما باید جلوی این فاجعه را بگیریم. وضعیت در غزه و لبنان بحرانی است و باید حملات اسرائیل متوقف شود. سیاست حسن همسایگی در دولت جدید ایران ادامه پیدا می‌کند. این پیامی است که به همه کشورهای منطقه داده‌ام و امروز هم در کویت بیشتر در برهه آن صحبت می‌کنیم. تمام همسایگان به ما مطمئن دادند که اجازه نمی‌دهند از خاک و فضای آنان علیه ایران استفاده شود؛ این انتظاری است که از همه کشورهای دوست و همسایه می‌رود و این را نشانه‌ای از دوستی می‌دانیم. ما از نزدیک تحولات پایگاه‌های آمریکا را رصد کرده و مراقب تمام حرکات و پروازهای آنان هستیم و اطلاعاتی که در خصوص پایگاه‌های آمریکا در کویت داریم را به مسئولین کویتی منتقل خواهیم کرد. ما به دنبال توقف جنگ به صورت جامع در کل منطقه، هم در غزه و هم در لبنان هستیم ولی ممکن است مسیرهای مختلفی وجود داشته باشد و ما همه مسیرها را دنبال می‌کنیم و با کشورهایایی که در این خصوص فعال هستند در ارتباط هستیم. نماینده ویژه من در بیروت مستقر است و با طرفین در بیروت دیدارهای روزمره دارد؛ البته تصمیم‌گیری در خصوص آن‌ها توسط خود فلسطینیان و لبنانی‌ها صورت می‌گیرد و ما فقط سعی بر کمک و حمایت داریم. همه کشورهای منطقه به ما گفته‌اند که مخالف هرگونه حمله‌ای به ایران هستند، چه اینکه حمله‌ای به تاسیسات هسته‌ای به عنوان یک جنایت بین‌المللی و خلاف تمامی قوانین بین‌المللی صورت پذیرد. من تکرار می‌کنم که هر شکلی اسرائیل به ما حمله کند به همان شکل پاسخ دریافت خواهد کرد. حمله به تاسیسات هسته‌ای و حتی تهدید تاسیسات هسته‌ای جرم بین‌المللی است، البته ما می‌دانیم که اسرائیل به هیچ قاعده‌ای پایبند نیست و ما دلخوش به قوانین بین‌المللی برای توقف اسرائیل نیستیم. ما برای دفاع از تاسیسات هسته‌ای خودمان ابزارها و توانایی خود را داریم. اگر به تاسیسات زیربنایی حمله‌ای انجام شود دشمن صهیونیستی از توانایی ما برای اقدام متقابل اطلاع دارد.



حفاظت از امنیت منطقه وظیفه مشترک همه است

اسماعیل بقایا همان‌ده در پیامی که در حساب شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس به اشتراک گذاشت، در رابطه با سفر عراقچی به کویت و رایزنی میان وی و همتای کویتی خود عنوان داشت: عراقچی وزیر امور خارجه در ادامه رایزنی‌های دیپلماتیک با کشورهای منطقه، امروز مشورت‌های مهمی با ولیعهد کویت شیخ صباح خالد الحمد الصباح و وزیر خارجه عبدالله علی البیحا در مورد اهمیت تقویت تلاش‌های همه کشورهای برای توقف نسل‌کشی و تجاوزات رژیم صهیونیستی و پایان دادن به بی‌کیفمانی رژیم و نیز کمک به اولرگان در غزه و لبنان انجام داد. حفظ و حراست از امنیت منطقه در برابر شرارت‌های بی‌ثبات‌ساز رژیم اشغالگر مسئولیت مشترک همه‌ماست.

قرارداد ضمیمه پس از تصویب مجلس شورای ملی در جلسه فوق‌العاده روز سه‌شنبه ۱۳۵۲/۵/۲ در جلسه فوق‌العاده روز دوشنبه هشتم مردادماه یک‌هزار و سیصد و پنجاه و دو ششمی به تصویب مجلس سناریسید.

بر اساس این قرارداد که تاریخ اجرای آن ۳۰ اسفند ۱۳۵۲ تعیین شده بود و مدت آن بیست سال بود، شرکت ملی نفت ایران علاوه بر مالکیت تاسیسات و ذخایر نفتی، کنترل کامل عملیات صنعت نفت را در اختیار داشت. اکتشاف، توسعه، سرمایه‌گذاری، تولید، پالایش و حمل و نقل نفت خام، گاز و فرآورده‌های نفتی در اختیار شرکت ملی نفت قرار گرفت و اعضای کنسرسیوم صرفاً خریداران و مشتریان ممتاز قلمداد شدند. در این مصوبه آمده بود: «نظر به اینکه دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران علاقه دارند که ذخایر هیدرو کربور کشور را به بهترین وجه مورد گسترش و بهره‌برداری قرار دهند و بدین وسیله منافع و رفاه ملت ایران را که از آن حاصل می‌شود به حداکثر افزایش دهند. نظر به اینکه ایران در اجرای هدف بالا تصمیم گرفته است که حق تمام و کامل مالکیت و تصدی و کنترل کلیه ذخایر هیدروکربور و دارایی‌ها و اداره صنعت نفت به شرکت ملی نفت ایران اعمال شود. نظر به این شرکت‌های بین‌المللی نفت که در بالا به عنوان طرف‌های دوم این قرارداد از آنها نام برده شده است با دست داشتن به تاسیسات حمل و نقل و پالایش و فروش که در سراسر جهان ایجاد شده در سال ۱۳۳۲ با ایران و شرکت ملی نفت ایران قراردادی منعقد کرده‌اند (از این پس به عنوان قرارداد کنسرسیوم یاد خواهد شد) و به موجب این مقادیر متعددی نفت خام ایران و فرآورده‌های حاصل از آن را در قسمت‌های وسیعی از جهان به فروش رسانیده‌اند. نظر به اینکه دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران علاقه دارند که دستیابی مصرف‌کنندگان سراسر جهان به عرضه نفت خام و فرآورده‌های ایران ادامه‌دافته باشد و قادر هستند که این نفت خام و فرآورده‌ها را به مقادیر بیشتر در دسترس مصرف‌کنندگان مزبور قرار دهند. نظر به اینکه شرکت‌های مذکور در بالا علاقه و توانایی آن را دارند که با اعتماد به عرضه مطمئن و امید دریافت اجرت معقول جریان مداوم این نفت خام و فرآورده‌ها را به سوی مصرف‌کنندگان مزبور تأمین نمایند.

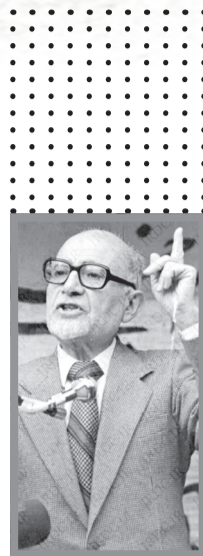
نظر به اینکه طرفین این قرارداد توافق دارند که رابطه کلی ایران و شرکت ملی نفت ایران با شرکت‌های نفتی مذکور در بالا به منظور تحقق کامل هدف‌های مشروح بالا و به ترتیب مقرر در این قرارداد مورد تجدیدنظر و تعدیل قرار گیرد. نظر به اینکه هر یک از طرفین به طیب خاطر در مذاکراتی که به عقد این قرارداد منتهی گردید شرکت جستند و مذاکرات مزبور به طور دوستانه ادامه یافته و منجر به عقد این قرارداد و فروش و خرید به جای قرارداد کنسرسیوم گردیده است تا نایل به هدف‌های مذکور در بالا را امیس سازد.»

با وقوع انقلاب قرارداد کنسرسیوم در ۱۳ اسفند ۱۳۵۸ توسط دولت موقت لغو شد و به دنبال آن، شرکت‌های حاضر در کنسرسیوم به دیوان داورای لاهه شکایت کردند. بعد از چند سال مجادله و بررسی‌های قانونی، سرانجام در ۲۷ آذر ۱۳۶۹ با صدور رأی دیوان عالی لاهه، پرونده کنسرسیوم به صورت قانونی مختومه اعلام شد. مبالغ ادعاشده از سوی شرکت‌های کنسرسیوم بسیار بالا بود؛ این شرکت‌ها سود پول هایشان در مدت رسیدگی به پرونده را نیز طلب کرده بودند که با پیگیری‌های دولت ایران و ارائه ادله مناسب، پرداخت به اعضای کنسرسیوم بر اساس موجودی دفاتر در سال ۱۳۵۸ انجام گرفت و تمام اموال و امتیازات کسب‌شده به دولت ایران منتقل شد و پرونده این قرارداد برای همیشه بسته شد.

که منافع و حقوق ایران در این قرارداد تأمین نیست اما چه کنیم؟ در بیمارستان‌های ایران دوا وجود ندارد. اسپرین نیست اگر دولت افغانستان یک هواپیمای قاره‌قاره سر سرخس بفرسته ما وسیله دفاع نداریم. برای این که پول نداریم. من ناچارم این قرارداد را امضا بکنم برای خاطر این که بتوانم منابع مالی برای ضروری‌ترین کارها فراهم بکنم. گفت که شاه آن قراردادی را که ایده‌آش نبود امضا کرد ولی همین طور مرحله به مرحله در ارتباط با مسائل نفتی پیشرفت کرد تا امروز به عنوان یک مرد مؤثر در سازمان اوپک توانست قیمت‌گذاری نفت را هم حتی به دست بگیرد... من این مطلب را یکی دو سال بعد به یک مناسبتی برای شاه نقل کردم. گفتم که ارسلان خلعتبری به یک مناسبتی حرفی را زد. شاه گفت و من تمام مطلب را به آن‌ها نگفتم. گفت همین قرارداد که ایده‌آل من نبود. همین قرارداد که من معایش را می‌دانستم چیست من ناچار بودم امضایش بکنم. مگر به همین آسانی این قرارداد را حاضر بودند ببینند. این قرارداد را به شرطی امضا می‌کردند که مجری‌اش یک شخص معینی باشد. منظور ش دکتر امینی بود. یعنی اگر دکتر امینی متصدی اجرایش می‌شد آن وقت این قرارداد را تازه امضای کردند.»

تجدیدنظر و پایان قرارداد کنسرسیوم

با آغاز دهه پنجاه و قدرت‌گیری اوپک و افزایش قیمت نفت، شاه نیز به فکر تجدیدنظر در این قرارداد افتاد و به اعضای کنسرسیوم اعلام کرد اگر کنسرسیوم از اصلاح مفاد قرارداد خودداری کند، در پایان دوره بیست‌وپنج ساله پس از ۱۳۵۸ این قرارداد تمدید نخواهد شد. شاه پس از اعلام عدم تمدید قرارداد پس از انقضای آن، با تنش‌های فزاینده‌ای با کشورهای غربی مواجه شد و به نظر می‌رسید قصد دارد نفت ایران را در پایان قرارداد ملی کند. هدف او افزایش میزان تولید نفت و کنترل بیشتر بر قیمت جهانی آن بود. شاه در سخنرانی برای کشاورزان و کارگران، شرکت‌های نفتی را به سوءمدیریت عملیات تحت قرارداد کنسرسیوم متهم کرد. او گفت که به شرکت ملی نفت ایران دستور داده است تا شروع به استخدام کارشناسان خارجی برای همکاری با ایرانیان کند تا این شرکت بتواند وظایف کنسرسیوم را «فورا یا از سال ۱۳۵۸» به عهده بگیرد. همین تنش بر سر تمدید قرارداد کنسرسیوم یکی از دستاوردهای طرفداران توهم توطئه سرنگونی شاه توسط کشورهای غربی است. شرکت‌های نفتی از طریق سخنگوی خود اعلام کردند که شاه حق قانونی برای پایان دادن به قرارداداشان در سال ۱۹۷۹ را ندارد، زیرا کنسرسیوم حق دارد آن را به مدت ۱۵ سال تمدید کند. با این حال نمایندگان شرکت‌های عضو، مذاکرات با دولت ایران را آغاز کردند. در زمستان ۱۳۵۱ در سنت موریس معاهده‌ای را ارائه کردند که به سند سنت موریس معروف است. مذاکرات شرکت ملی نفت و نمایندگان کنسرسیوم در اوایل سال ۱۳۵۲ ادامه یافت و سرانجام قرارداد جدیدی به نام «قرارداد خرید و فروش» در ۱۰ خرداد ۱۳۵۲ به امضا رسید و پس از تصویب مراجع قانونگذاری در ایران به قانون تبدیل شد. در مصوبه مجلس سنا در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۵۲ که به امضای جعفر شریف‌امامی رئیس مجلس سنا رسید آمده بود: «ماده واحد - قرارداد دولت ایران با کنسرسیوم نفت مصوب آبان‌ماه ۱۳۳۳ و ملحقات آن لغو می‌گردد و به دولت اجازه داده می‌شود قرارداد ضمیمه مربوط به فروش و خرید نفت را که بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت ملی نفت ایران از یک سو و شرکت‌های خارجی نامبرده در قرارداد مزبور از طرف دیگر منعقد و امضاء شده است به موقع اجراء بگذارد. قانون فوق مشتمل بر یک ماده و متن



با وقوع انقلاب قرارداد کنسرسیوم در ۱۳ اسفند ۱۳۵۸ توسط دولت موقت لغو شد و به دنبال آن، شرکت‌های حاضر در کنسرسیوم به دیوان داورای لاهه شکایت کردند. بعد از چند سال مجادله و بررسی‌های قانونی، سرانجام در ۲۷ آذر ۱۳۶۹ با صدور رأی دیوان عالی لاهه، پرونده کنسرسیوم به صورت قانونی مختومه اعلام شد. مبالغ ادعاشده از سوی شرکت‌های کنسرسیوم بسیار بالا بود؛ این شرکت‌ها سود پول‌هایشان در مدت رسیدگی به پرونده را نیز طلب کرده بودند که با پیگیری‌های دولت ایران و ارائه ادله مناسب، پرداخت به اعضای کنسرسیوم بر اساس موجودی دفاتر در سال ۱۳۵۸ انجام گرفت و تمام اموال و امتیازات کسب‌شده به دولت ایران منتقل شد و پرونده این قرارداد برای همیشه بسته شد.

پیش‌بینی کرده بود که (تقریباً) تمام تولیدات، پالایش، حمل و نقل و بازاریابی بین‌المللی در اختیار کنسرسیوم است. برای اداره این کنسرسیوم مقرر شد دفتر مرکزی دو نهاد حقوقی شرکت پالایش نفت ایران و شرکت اکتشاف و تولید نفت ایران در هلند ایجاد و مستقر شوند و این چنین ایران حتی برای وجود دفتر مرکزی شرکت‌های اداره منابع نفتی خود نیز صالح شناخته نشد. پیشنهاد نخست استقرار این شرکت‌ها در بریتانیا بود که از نظر سیاسی نامطلوب تلقی شده و از آن منصرف شدند؛ همانطور که آرزوی اولیه شرکت نفت انگلیس برای کسب سهم ۵۰ درصدی نیز نامطلوب تشخیص داده شده بود. سهم پنجاه درصدی در واقع اکثریت سهام را به بریتیش پترولیوم می‌داد، زیرا این شرکت ارتباطات قوی با شرکت کوچک فرانسوی که سهم شش درصدی از کنسرسیوم داشت، بر خوردار بود؛ بنابراین تنها ۴۰ درصد برای مالک صدرصد سابق در نظر گرفته شد و البته این نه تدبیر دولت ایران که تصمیم طرف آمریکایی بود که می‌خواست نشان دهد اکنون او نیز هم‌سنگ انگلیس در ایران سهم دارد. این توافق که به شدت توسط رئیس‌جمهور ایزنهاور مورد حمایت قرار گرفت، به شرکت‌های نفتی آمریکایی نفوذ قابل توجهی بر میزان تولید نفت ایران و قیمتی که می‌توانست به آن بفروشد، داد.

کنسرسیوم می‌توانست از همه تاسیسات صنایع نفت ایران، که در دوره قرارداد ۱۹۳۳ ایجاد شده بود، با حفظ مالکیت ایران بر این تاسیسات، استفاده کند. طبق قرارداد جدید، حدود حوزه امتیاز و شعاع عملیات کنسرسیوم شامل قسمتی از خاک بلوچستان، قسمت جنوبی استان کرمان، تمام استان فارس، قسمت جنوبی استان اصفهان، تمام استان‌های خوزستان و لرستان، بروجرد، ملایر، صفحات جنوبی استان کرمانشاه، جزایر خارک، کیش، قشم، هرمز، شعیب، هنگام و چند جزیره کوچکتر در جنوب کشور بود. براساس ماده ۹ قرارداد، کنسرسیوم حق بهره‌برداری از منابع آب حوزه فعالیت خود را به دست آورد، همانند قرارداد ۱۹۳۳، استفاده از اراضی حوزه فعالیت برای کنسرسیوم رایگان بود، کنسرسیوم بابت مصارف داخلی نفت خود مورد بازخواست قرار نمی‌گرفت و اجازه داشت با پرداخت مبلغی معادل پنج درصد قیمت واقعی به ایران، از منابع گازی موجود در میدان‌های نفتی استفاده کند. همین مبلغ ناچیز هم پس از کسر هزینه استخراج به ایران پرداخت می‌شد، در برابر این امتیاز گسترده، کنسرسیوم موظف بود از شوه‌های نوین مهندسی استفاده کند، تا جایی که امکان دارد، با تصمیم کنسرسیوم، ایرانیان بیشتری به خدمت گرفته شوند، کنسرسیوم موظف به آموزش تعدادی از کارشناسان ایرانی بود. ایران حق محدود اکتشاف و استخراج نفت را در مناطقی که به تشخیص کنسرسیوم، مقرون به‌صرفه نبودند، پیدا می‌کرد.

دولت ایران ناگزیر شد غرامت هنگفتی به شرکت نفت سابق انگلیس و ایران بپردازد. به عبارت بهتر: «دولت ایران متعهد شد مبلغ ۲۵ میلیون لیره غرامت و مبلغی در حدود ۲۱ میلیون لیره بابت هزینه استهلاک تاسیسات نفت جنوب به اقساط ده‌ساله به شرکت نفت بریتانیا بپردازد. ضمناً قرار شد ایران مبلغ ششصد میلیون دلار به اقساط سالانه به عنوان پذیره یا سررقلی (در حقیقت عدم‌النفع) تا سال ۱۹۷۰ م به شرکت نفت بریتانیا بپردازد.»

وقتی که قرارداد کنسرسیوم برای تصویب به مجلس شورای ملی تسلیم شد شاه از قوه مقننه خواست که بدون ائتلاف وقت آن را تصویب کند و آن را قراردادی شرافتمندانه و منصفانه دانست. محمد در بخش فعال‌ترین نماینده علیه قرارداد کنسرسیوم نفت از مردان دکتر محمد مصدق بود. و خوش‌سرو روز پیاپی به مدت هفت ساعت علیه قرارداد سخنرانی کرد و همراه با سیدابوالحسن حائری‌زاده، مصطفی کاشانی، امیرتیمور کلایی و شمس قنات‌آبادی به قرارداد رأی مخالف داد. اما آنتونی ایدن وزیر خارجه بریتانیا در خاطر آتش نوشت: «شاه در جلوگیری از تأخیر مجلس در تصویب قرارداد و فشار به مجلس نقش قاطعی ایفا کرد. به‌رغم آنکه بسیاری از نمایندگان مجلس دوره هجدهم از متن قرارداد که پیش‌نویس آن در لندن تهیه شده و از زبان انگلیسی ترجمه شده بود سر در نمی‌آوردند با این حال با ۱۱۳ رأی موافق و ۵ مخالف و یک ممتنع آن را تصویب کردند. مجلس سنا هم با ۴۱ رأی موافق و ۴ مخالف و ۲ ممتنع آن را تأیید کرد.»

محمد باهری معاون اسدالله علم در وزارت دربار و بعدها دبیرکل حزب رستاخیز درباره نظر شاه در این مورد به پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد گفته است: «مسئله نفت شاه درست روشش روش خلاف مصدق بود. او احساس مسئولیت کرد. خب شاه مگر نمی‌دانست قرارداد بستن یا کنسرسیوم و چه‌هاش را می‌آورد پایین ولی مع‌ذکال چون احساس مسئولیت می‌کرد تصویب شد. خب همیشه هم مردم پش فحش دادند. بد گفتند ولی مع‌ذکال چون احساس می‌کرد مسئولیت برای خودش این بود که این بدنامی را به جان خرید و قبول کرد. در این زمینه من یک خاطره‌ای برای شما نقل بکنم. وقتی که قیمت‌گذاری نفت از دست کمپانی‌ها افتاد به کشورهای تولیدکننده نفت مثل این که ۱۹۷۳ بود و قیمت نفت برای اولین بار از مرز ده دلار تجاوز کرد - در حدود یازده دلار شد. از دو سه دلار رسید به یازده دلار. یکی دو روز بعد از این حادثه من از کوه پیمایی هفتگی برمی‌گشتم... مر حوم ارسلان خلعتبری را دیدم. ارسلان خلعتبری را شما می‌دانید که وکیل عدلیه بود. وکیل مجلس بود. یکی از آدم‌هایی بود که با دارو دسته جبهه ملی هم همکاری و توافقی داشت... و گفت که فلائی این پیش آمده که نشده من یک خاطره‌ای دارم که برای شما نقل می‌کنم. گفت وقتی که قرارداد کنسرسیوم آمد مجلس، شاه من و دکتر جزایری را خواست. ما هر دو وکیل مجلس بودیم. گفت که این قرارداد قرارداد ایده‌آل من نیست. من می‌دانم

